



Gender justice and gender differences in criminal matters

Morteza Abdizadeh, Vahid Nekounam, Naghmeh Farhood

Submission Date: 3 June 2024 | Acceptance Date: 31 October 2024

Abstract

This article aims to explain the foundations of gender differences in women and the legal approaches addressing gender-based considerations and distinctions in criminal law. Using an analytical-descriptive method, this research seeks to examine these differences and the reasons behind their emergence. Furthermore, it evaluates the impact of gender justice as an independent factor on societal peace and development within international documents.

Among the most significant challenges related to gender differences in crimes against physical integrity are the lack of gender justice-oriented policymaking, the absence of consensus on the definition of gender justice, patriarchal structures in policymaking institutions, the gap between research entities and policymaking bodies, and more.

The findings reveal that the basis of gender differences in crimes against physical integrity does not stem from male superiority over females or gender discrimination. Instead, these differences are rooted in variations in creation, duties, and roles assigned to each gender.

Keywords : Gender Differences, Crimes Against Physical Integrity, Gender Discrimination, Gender Justice, Women's Rights

عدالت جنسیتی و تفاوت های جنسیتی زن و مرد در امور کیفری

مرتضی عبدزاده^۱، وحید نکونام^۲، نغمه فرهود^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳ / ۳ / ۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳ / ۸ / ۹

چکیده:

مقاله حاضر به منظور تبیین مبانی تفاوت های جنسیتی زنان و رویکردهای حقوقی ناظر به ملاحظات و تفاوت های جنسیتی در حقوق است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی بر آن است تا این تفاوت ها و دلیل ایجاد آنها را مورد بررسی قرار دهد. بعلاوه سعی بر آن است تا تأثیر عدالت جنسیتی را بعنوان عاملی مستقل بر صلح پذیری جوامع و توسعه در اسناد بین المللی مورد سنجش قرار دهیم. از جمله مهمترین چالش های تفاوت جنسیتی در جرایم علیه تمامیت جسمانی، عدم سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، عدم وفاق در زمینه تعریف عدالت جنسیتی، مردسالاری در نهادهای سیاستگذاری، شکاف بین نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری و است. نتایج تحقیق نشان داد مبنای تفاوت جنسیتی در جرایم علیه تمامیت جسمانی، برتری جنس مرد نسبت به زن و یا تبعیض میان این دو به لحاظ جنسیتی نبوده بلکه مبنای این تفاوت به دلیل تفاوت در خلقت، وظایف و نقش های آنها و ... است.

واژگان کلیدی: تفاوت جنسیتی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، تبعیض جنسیتی، عدالت جنسیتی، حقوق زنان.

۱-مرتضی عبدزاده، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Morteza.Abdzadeh۸۵@yahoo.com

۲- وحید نکونام، گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

dr.vahid۱۰۰nnekonam@protonmail.com

۳-نغمه فرهود، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران.

naghmeh.farhood@yahoo.com

عدالت جنسیتی به این معناست که با زن و مرد به گونه ای رفتار شود که حقوق و فرصت هایی که به هر کدام اعطا می شود متناسب با «ظرفیت های تکوینی»، «نظام نقش ها»، «غایات مورد انتظار از آنها» و «شرایطی که زن و مرد در آن زندگی می کنند» باشد. ملاحظه این ویژگی ها در مورد احکام و قوانین زنان و مردان و برنامه هایی که برای زنان و مردان در جامعه طراحی می شود، عدالت جنسیتی است. بنابراین، عدالت جنسیتی معنای تحقق برابری نیست و منوط به رعایت تناسب ها است. در واقع از نگاه اسلام، عدالت در تناسب با فرد و وظایفش تعریف می گردد و تساوی و برابری تصویری سطحی از این مفهوم است. داعیه داران این نگاه، راه حل نیل به عدالت را نه یکسان سازی زن و مرد، بلکه توجه به مقدرات و محظورات دو جنس در انجام وظایف و تکالیف می دانند. عدالت و آزادی از دیرباز جزء والاترین ارزش های فردی و اجتماعی بوده اند که همواره در نهضت های اصلاحی و انقلاب های اجتماعی در زمره اهداف بنیادین و ارکان هویت ساز نقش آفرینی کرده اند. انقلاب اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام اجتماعی و یک سیستم حکومتی برای شکل دهی گفتمان و نظام معنایی جدیدی در این حوزه در تلاش بوده است. بنابراین، بدیهی است که این نظام باید هویت خود را بر اساس نحوه تعریفی که از مفاهیمی همچون عدالت و آزادی ارائه می دهد، شکل دهد. در این میان، تعریف و پرداختن به عدالت جنسیتی و خط مشی گذاری در موضوعات مرتبط با زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال جامعه، مسلماً از اولویت و ضرورت بالایی برخوردار است و باید با رویکرد برنامه های جنسیتی یا حساس به جنسیت صورت گیرد. در احکام جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص با توجه به جنسیت تفاوت هایی وجود دارد که از مهمترین مصادیق آن مشروط بودن قصاص مرد در مقابل زن به پرداخت نصف دیه کامل مرد و یا عدم تساوی دیه زن و مرد در صدمات مستوجب دیه مازاد بر ثلث دیه کامل و یا انتفاء قصاص پدر در صورت قتل فرزند در حالیکه این حکم درباره مادر موضوعیت ندارد. قوانین جزایی اسلام با توجه به تفاوت های تکوینی بین زن و مرد احکام خاصی را برای آن ها قرار داده است و به نظر می رسد آنچه باید در خصوص زن و مرد رعایت شود عدالت احکام است.

عدالت جنسیتی

عدالت فضیلتی است که نظام طبیعت بر آن مبتنی است و بشر سعادت پایدار خود را متکی به استقرار آن می داند و آن را به عنوان معیار لازم الاحترام حاکم بر امور و سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود طلب می کند. عدالت در لغت به معنی دادگری کردن، استقامت^۱ و عدل^۲ آمده است، که عدل نیز در مقابل ستم آورده شده است. در اندیشه افلاطون در یونان باستان، عدالت به معنای تناسب با طبیعت و فضایل دیگر و حد وسط نقطه تعادل سه قوه خرد، غضب و شهوت در انسان می باشد. در سطح اجتماعی نیز از دیدگاه وی عدالت به مفهوم تناسب و قرار دادن افراد جامعه در طبقات خاص خود است. یعنی در طبقات فرمانروایان، نگهبانان و متوسط مردم از نظر ارسطو عدالت به معنای معامله برابر با افراد برابر و معامله نابرابر با افراد نابرابر است، به بیان دیگر توزیع امکانات و مناصب بر اساس شایستگی ها و لیاقت ها^۳. در رابطه با ماهیت عدالت می توان چنین گفت که عدالت به عنوان یک نهاد اخلاقی و اجتماعی باید نهادی معقول باشد و دارای خصلت تک گفتاری نباشد، یعنی آنکه شرط اول عدالت آن است که همگان در رسیدن به برداشت مشترکی از آن سهم داشته باشند و محتوای عدالت باید در بستر توافق و حوزه عقل عمومی استنتاج شود؛ و حتی توافق همگان در گذشته درباره ماهیت عمل عادلانه، نمی تواند برای حال

۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۲۹، تهران، چاپ دانشگاه تهران.

۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، ج ۲، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۳- بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ ها و واژه ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

الزام آور باشد و اگر نهاد اجتماعی نهاد عقلی و معقول است پس باید این ویژگی همواره از نو تجدید شود چراکه عدالت از عصری به عصر دیگر تحول می یابد چنانکه عدالت سیاسی در عصر دموکراسی با عدالت سیاسی در عصر بردگی تفاوت دارد. بنابراین باید گفت هرچه عرصه عقل عمومی گسترش یابد اغراض خصوصی و قدرت طلبانه و خودخواهانه، کمتر قابل دفاع می شوند^۱.

شرط یا اصل دوم عدالت راجع به نابرابری است. برداشت های نادرست از عدالت، مسأله اصلی را رفع نابرابری ها می دانند اما باید گفت گاه نابرابری معقول و موجه می باشد و برقراری آن به نفع همگان است. بنابراین باید گفت دفاع از نابرابریها و یا نفی آنها موضوع اصلی بحث عدالت است^۲. مبحث عدالت در معنای عملی تر خود با مقولات و مفاهیمی چون برابری، اخلاق، انصاف و آزادی در می آمیزد؛ اما باید گفت اگر در حوزه نظری بتوان مقوله عدالت را تاحدی از مقولات مذکور جدا کرد، اما در حوزه عمل این کار اصلاً ممکن نیست؛ چنانکه در برابر نظریه پردازانی که جوهره عدالت در دنیای کنونی را «برابری» دانسته اند و اجرای عادلانه قانون را با رعایت این مورد، اجرایی می دانند، گفته شده که در این مفهوم صوری و خشک، هیچ گونه کیفیتی راه ندارد و نقص در همین جاست؛ بیگمان عدالت ایجاب نمی کند که درباره هر فرد، قطع نظر از ویژگی های او قانون و حکمی یکسان مقرر شود^۳.

در مفهوم انصاف نیز آن را در برابر مفهوم برابری و یا خارج از آن، به مفهوم دخالت دادن عواملی در تصمیم گیری برابر وجدان و حق قرار داده اند^۴ که این مورد نیز با آنکه مشتق شده از مفهوم عدالت است اما مفهوم عدالت را به طور کامل در بر نمی گیرد. بنابر مفهوم عدالت باید گفت، آنچه در نظر عقل و نفع عمومی و در طول گذر زمان جزو اولین مباحث مورد توجه و تکریم عدالت بوده است، حفظ حقوق و آزادی های فردی انسانها و به طور کلی حفظ حقوق بنیادین افراد و عدم تبعیض انسانها است، که می توان از این حقوق بنیادین به حق زندگی و حق کرامت انسانی اشاره نمود. حق زنده ماندن و ادامه حیات از حقوق فطری و الهی است و نخستین حق یک انسان، زنده ماندن است و تعرض به آن روا نمی باشد، و این مورد بواسطه تداوم جسم و تن انسان توسط آن، پایه حقوق انسانی به شمار می رود و همه حقوق قائم به آن، یعنی وجود انسان، می باشد^۵. منظور از عدالت جنسیتی حفظ حقوق و آزادی های فردی مربوط به هریک از زن و مرد می باشد. فلذا این حقوق می تواند در بین آنها مشترک و یا برخی بواسطه شرایط هر یک از آنها، یکسان نباشد؛ بنابراین منظور از عدالت در این بررسی، برابری آنها در تمامی حقوق نمی باشد بلکه منظور ایجاد و با حفظ حقوق متناسب به همراه عدم تبعیض برای جنسیت ها می باشد.

فلسفه تفاوت زن و مرد در امور کیفری

تفاوتهایی که در برخی احکام اسلام، بین زن و مرد وجود دارد، شائبه تبعیض و نابرابری را در ذهن برخی، به وجود آورده است. در وضع هر قانونی، انگیزه و فلسفه ای نهفته که علت وجودی تدوین آن قانون است. در قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه امامیه، تفاوت هایی در اعمال مقررات کیفری بین زن و

۱- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)

۲- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)

۳- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۳)، فرهنگ کاتوزیان، تهران، نشر دادگستر.

۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء.

۵- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.

مرد وجود دارد که در بسیاری از آن موارد حداقل در یک برداشت ظاهری چنین به نظر می رسد که به جنس ذکور امتیاز و برتری داده شده است. در واقع جوامع غربی بحث هایی در چرایی احکام حقوقی اسلام و خصوصاً انتقادات فراوانی درباره احکامی دارند که به نظر منتقدان، سلب و محرومیت از حقوق و اعمال تبعیض ناروا بر زن در اسلام است. تفکر غالب و حاکم بر جوامع امروزی که در اسناد بین المللی به خصوص اسناد حقوق بشری مانند منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان و اسنادی از این قبیل منعکس است، رعایت تساوی بین زن و مرد و عدم تبعیض و تفاوت بر اساس جنس است. به موجب این طرز تفکر، نباید مقرراتی وضع و احکامی مقرر و اجرا گردد که نشان دهنده نوعی امتیاز و یا برتری نگرى مرد نسبت به زن باشد لیکن تردیدی نیست که تفاوت هایی در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد وجود دارد و همین تفاوت خود سبب متفاوت بودن وظایف طبیعی و تکالیف و مزایای اجتماعی می گردد.^۱

۱- تساوی مرد و زن در مقام انسانی

احترام به کرامت انسانی انسانها نخستین اصلی بود که شعلههای هدایت و ایمان را در دلهای آحاد مردم برافروخت و سبب گردید انسانها، اعم از زن و مرد، فوج فوج به دامان پر مهر اسلام، پناه آورند. این نگاه، هرگز جنس یا گروهی را استثنا نمیکرد، بلکه همه آحاد انسانی، اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم را در نزد پروردگار برابر میدانست و هیچ اختلافی جز در پرتو پروای الهی و نزدیکی به آسمان معنا نمیشد. هرچند برخی در تفسیر این برابری، راه مغالطه را پیمودند و این تصور را القا نمودند که انسانها همچنان که ذات و ماهیت بشری واحدی دارند، حقوق و تکالیفشان نیز - هرچند امور مربوط به فیزیکیشان باشد - کاملاً مساوی و برابر است! بطلان این قول آنچنان روشن است که نیازی به اثبات و برهان نیست، زیرا آنجا که بحث از برابری میشود، امور مربوط به ذات و طبیعت واحد بشری مراد است، نه مسائل عارض بر جسم و جنس. فلذا می توان گفت در جهان بینی اسلامی، مرد و زن موجوداتی هستند از یک سرشت که استعداد رشد، تکامل و تعالی، رسیدن به مقام جانشینی خدا در زمین و تبدیل شدن به الگو برای هر دو وجود دارد و از این جهت هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. لیکن به لحاظ جسمانی، روانی و رفتاری بین مرد و زن تفاوت های غیر قابل انکاری وجود دارد. بر اساس آموزه های قرآنی زن و مرد در آفرینش از یک نفس آفریده شده اند:

(الف) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» ای مردم بترسید از عصیان پروردگار خود آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت.^۲

(ب) «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد.^۳

(ج) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى...» ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم.^۴

از این آیات استفاده می شود که زن و مرد در خلقت مساوی هستند و از یک نفس آفریده شده اند و هر دو مخلوق خداوند و با یکدیگر مساویند، لذا نمی توان در قصاص و دیه بین آنها فرق گذاشت و قصاص مرد قاتل در مقابل زن مقتول را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد کرد پس تعیین دیه زن به میزان نصف دیه مرد و مشروط کردن قصاص مرد در برابر زن به پرداخت نصف دیه مرد مخالف این آموزه دینی

۱- کاظم زاده، علی (۱۳۸۶)، تفاوت حقوقی زن و مرد، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۲- نساء، آیه ۱

۳- اعراف، آیه ۱۸۹

۴- حجرات، آیه ۱۳

است در نتیجه روایاتی را که بر تفاوت زن و مرد در قصاص و دیه دلالت می کنند به جهت مخالفت با این آیات باید کنار گذاشت.^۱ یکی از طرفداران این شبهه می نویسد: با وجود آیه شریفه: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ...* چگونه می توان ماده ۲۰۹ ق.م.ا. را توجیه نمود. مگر زنان نیز چون مردان مخلوق خداوند نیستند که چنین بی پروا حکم قتل آنان صادر شده است.^۲ آری بر اساس آموزه های قرآنی زن و مرد در آفرینش مساوی و از یک گوهرند، لیکن تلازمی بین تساوی آنها در منشأ آفرینش و یکسان بودن کامل آن دو در مقررات قصاص و دیه وجود ندارد. زیرا: نخست پیام آیات «خلقکم من نفس واحده» بیش از این نیست که خداوند شما انسانها اعم از زن و مرد را از یک نفس آفریده است. اگر خلقت زن و مرد از یک نفس به معنای یکسان بودن زن و مرد باشد، دلیلی در بین نیست که یکسان بودن آنها را به قصاص و دیات اختصاص دهد، بلکه باید عنصر تساوی را به تمامی ابعاد زندگی آن دو تسری داد لیکن واضح است که این سخن به هیچ وجه قابل پذیرش نیست زیرا با توجه به وجود ده ها بلکه صدها مورد تفاوت فیزیکی روحی و روانی و در نتیجه حقوقی بین زن و مرد، مشکل تخصیص اکثر پیش میآید که از نظر اصولی مستهجن و قبیح و از ساحت سخنوری حکیم به دور است.

دوم: آیات مشتمل بر عبارت «خلقکم من نفس واحده» در صدد بیان مطلبی است که ارتباطی با مسئله تساوی زن و مرد در قوانین تشریحی ندارد. ارباب تفسیر دو احتمال درباره عبارت مذکور داده اند:

۱. مقصود از «نفس واحده» حضرت آدم (ع) و «زوجها» همسر او حضرت.
۲. منظور شخص واحد معینی نیست بلکه مطلق ذکور و اناث از جنس خداوند نیستند که انسان مراد است در هر صورت این آیات هیچگونه دلالتی، حتی اشاره ای بر یکسان بودن زن و مرد از نظر قوانین تشریحی از جمله قصاص و دیه ندارد. از این رو، روایاتی که قصاص مرد در برابر زن را مشروط به پرداخت نصف دیه مرد میکنند و دیه زن را نصف دیه مرد تعیین می نمایند هیچگونه تعارضی با آیات مشتمل بر عبارت «خلقکم من نفس واحده» ندارد تا در مقام عمل مجبور به طرد آنها شویم.^۳

سوم: اگر آیات مذکور چنین دلالتی دارند باید نخست با آیات ارث در تعارض باشند. زیرا برابر آیه شریفه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»^۴ حق ارث فرزند مذکر دو برابر فرزند مؤنث است و به یقین آیات قرآن با هم تعارض ندارند پس باید از ادعای دلالت آیات مربوط به تساوی زن و مرد در خلقت بر عدم هرگونه تفاوتی بین آن ها دست برداشت.

چهارم: لازمه اشتراک زن و مرد در انسانیت و خلق شدن از نفس واحد برابری در حقوق و وظایف است نه تشابه در آن ها و تساوی غیر از تشابه است تساوی برابری است و تشابه یکنواختی امکان دارد پدری ثروت خود را به طور مساوی بین فرزندان خود تقسیم کند اما این تقسیم مشابه نباشد؛ مثلاً تجارخانه ملک مزروعی و مستغلات دارد؛ با توجه به شناختی که از استعداد و ذوق فرزندان خود دارد هر کدام از آنها را با لحاظ ارزش مساوی شان به یکی از فرزندان می دهد در اینجا تقسیم اموال مساوی است اما مشابه نیست و تبعیض و ظلمی نیز صورت نگرفته، است بلکه به هر کدام با توجه به استعداد و ذوق او مالی با ارزش مساوی داده شده است. اسلام نیز حقوق مشابهی برای زن و مرد وضع نکرده است ولی هرگز امتیاز حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است و اصل مساوات را درباره زن و مرد رعایت کرده است پس چنان که برای زن و مرد حقوقی مشابه در نظر نگرفته است تکالیف و مجازاتهای

۱- حیدری، حسن، ابراهیمی نسب، یوسف (۱۳۸۹)، جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره ۵.

۲- کوبیلیام، سوزان (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نو اندیش.

۳- ظهیری، عباس (۱۳۷۵)، قصاص در بوته نقد و تحقیق، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴- نساء، آیه ۱۱

مشابهی نیز قرار نداده است اما در مجموع، حقوقی که برای زن قرار داده ارزش کمتری از آنچه که برای مرد قرار داده ندارد.^۱

۲- تمایزات خلقی زن و مرد

در مجموعه کتب مربوط به علوم تجربی و انسانی، تفاوت هایی چند برای زن و مرد ذکر شده است که ناشی از شیوه خلقت و اقتضای وجودی آنان می باشد. از جمله این تمایزات، تفاوت زن و مرد از نظر سازماندهی مغزی است. دختر و پسر از اساس با هم تفاوت دارند. چون مرد محصول کروموزم XY و زن محصول کروموزم XX است. تحقیقات جدید نشان داده است که عملکرد نیم کره های راست و چپ در هر کدام از آنها متفاوت است به این معنی که دو نیم کره در عین حال که با هم ارتباط دارند، کارهای تقریباً متفاوتی انجام می دهند. با این حال تفاوت های موجود در سازمان دهی مغز زن و مردها این اجازه را میدهد که دخترها از نظر استعداد کلامی مثل خواندن، املا و کلمات و تلفظ دقیق الفاظ، از پسرها بهتر باشند اما در فعالیت های تجسمی مانند نقشه جغرافیایی، هندسه و تجسم اشیاء در فضاء مهارت کمتری داشته باشند. علاوه بر این از نظر عاطفی نیز تفاوت های شگرفی میان زن و مرد موجود می باشد. بدیهی است زن به جهت رسالت اصلی خود که تولید مثل و پرورش کودک و تربیت نسل انسان در دامان پر مهر و محبت خویش می باشد، باید روحیات و عواطف بسیار لطیف و در عین حال انعطاف پذیر داشته باشد. از طرفی مردان عموماً از نظر بدنی نیرومند تر ولی در معرض آسیب پذیری بیشتر و طول عمر کمتری قرار دارند. مع الوصف اگر بخواهیم به احصاء تمایزات این دو مخلوق پردازیم، مجال بسیاری را می طلبد، مگر این که خلاصه وار اشاره نماییم که مقولات قاطعیت در زن و مرد، تفاوت زن و مرد از نظر پرخاشگری، هوش، میزان مرگ و میر و... از جمله بارز ترین تمایزات خلقی میان آنهاست هر چند خداوند تبارک و تعالی می فرماید «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدہ و خلق منها زوجها» ای مردم! از پروردگار خود که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او پدید آورد، پروا نمایید.

۳- تفاوت های روانشناختی زن و مرد

برای اثبات تفاوت ادراکی زن و مرد برخی از اندیشمندان به آیه ۱۸ سوره زخرف استدلال کرده اند. خداوند در این آیه می فرماید: «أَوَمَنْ يُنْشَأُ فِي الْحَلِیْهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَیْرُ مُبِینٍ؛ آیا کسی که به زیب و زیور پرورده می شود (یعنی دختران) و در خصومت (از حفظ حقوق خود) عاجز است (چنین کس لایق فرزندی خداست).» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید: خداوند متعال دو صفت پرورش در زینت و عدم توانایی بر استدلال را برای زن ذکر کرده است زیرا جنس زن به طور طبیعی از احساسات و عواطف سرشاری برخوردار و نیروی تعقل او در قیاس با مرد ضعیف تر است و جنس مرد به عکس این است.^۲

ایشان بر این باور است که دو صفت در زنان مظهر این ویژگی است: نخست علاقه شدید به زیور و زینت که از جمله «أَوْ مَنْ یُنْشَأُ فِي الْحَلِیْهِ» دریافت می شود و دوم عدم توانایی بر بیان مقصود خویش در استدلال و برهان که جمله «و هو فی الخصام غیر مبین» بر آن دلالت دارد. علامه طباطبایی علت ویژگی دوم را چنین بیان می کند: «استدلال و برهان نیازمند نیروی عقلانی زیاد است که زنان در مقایسه با مردان، در این امر ضعیف ترند. البته این بدان معنا نیست که زن توان احتجاج ندارد یا نیروی استدلالش کم است، بلکه زن منطق و استدلال را به کار می گیرد، اما قدرت اظهار ندارد. آنچه باعث می شود زنان نتوانند

۱- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، جلد ۱، تهران، نشر صدرا.

۲- کاظم زاده، علی (۱۳۸۶)، تفاوت حقوقی زن و مرد، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۳- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۵)، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

مکنونات خود را در مقام استدلال و محاجه بیان کنند و مانع حرف زدن آنها می شود، شدت احساسات و عواطف آنان است. احساسات و عواطف شدید زن از ادامه سخن گفتن وی مانع می شود. زن با شروع به سخن در مجادله، احساساتی شده، گریه می کند یا سخن در گلویش می ماند و توان بیان آن را ندارد. بنابراین، با این تفسیر و معنا هماهنگی خوبی بین جمله صدر او من ینشأ فی الکلیه، و جمله ذیل «و هو فی الخصام غیر مبین» برقرار می شود»^۱.

برخی از مفسران برای استدلال به فزونی درک عقلانی مردان به آیه ۳۴ سوره نساء که بیانگر نقش مدیریتی مرد در خانواده است، تمسک کرده اند. باتوجه به اینکه انجام نقش مدیریتی در خانواده نیازمند نگرشی منطقی و خردمندانه به قضایا در امور زندگی است، گذاشتن چنین مسئولیتی در کانون خانواده برعهده مرد، از رجحان نوع مردان در برخورداری از این نگرش حکایت می کند. مفسران زیادی جمله «بما فضل الله بعضهم علی بعض» را که بر وجود تفاوت بین زن و مرد دلالت می کند، بر همین نکته حمل نموده اند. با تکیه بر تحلیل حکم مدیریت مردان در خانواده، می توان گفت که از دیدگاه قرآن، بین زن و مرد نوعی تفاوت ادراکی وجود دارد. علامه مصباح یزدی نیز یکی از شرایط تفکر صحیح و سنجش و داوری درست را تسلط بر خود، ضبط و مهار عواطف و احساسات می داند. وی معتقد است که زن در این زمینه آسیب پذیر و ناتوان است؛ زیرا شدت عاطفه در زنان مانعی جدی از نگرش عقلانی به مسئله است، اما مرد چون عواطف ضعیف تری دارد با سهولت بیشتری می تواند بر خود تسلط یابد و با فرونشاندن عواطف و احساسات خود، واقعیات را به روشنی و وضوح ببیند و از سر واقع بینی حکم و داوری کند^۲. قدرت تعقل در هر دو جنس وجود دارد، ولی در مرد به دلیل موانع کمتر اقتضای تعقل، بیشتر است. مطالب به دست آمده در علوم جدید نیز این توجیه را تأیید می کنند. این علوم عوامل متعددی را در تفاوت ادراک مؤثر می دانند. از جمله این عوامل، علاقه و رغبت های شخص ادراک کننده است^۳. همچنین روان شناسان هنگام سخن از توانایی های ذهنی و شناختی، هوش و کارکردهای آن را بررسی می کنند. انسان هوشمند، درک، حافظه و احساس برتری دارد و روابط بین اشیا را بهتر درمی یابد، واکنش های وی متناسب است و در مقابل هیجانات، انفعالات و عواطف، دقیق تر، ظریف تر و مؤثرتر عمل می کند.

۴- تفاوت های عاطفی زن و مرد

زن و مرد هر دو نسبت به دیگران از عواطف برخوردارند. هم می خواهند دیگران را دوست بدارند و هم می خواهند دیگران آنان را دوست بدارند، اما ابراز و ظهور عاطفه در زنان و مردان متفاوت است. خانم ها حتی اگر کسی را کمی هم دوست داشته باشند، چنان نشان می دهند که او را بسیار دوست دارند. در حالی که مردها کسی را که بسیار دوست دارند، چنان نشان می دهند که مقداری او را دوست دارند. نمایش محبت آنان متفاوت است. حضرت علی (ع) در زمینه تفاوت میان زنان و مردان می فرماید: «کاری که به زن واگذار می کنی، نباید از حیثه مناسبات او بیرون باشد؛ چرا که او گل خوش بویی است و به عنوان متصدی دخل و خرج نباید به کارهای خشن رو بیاورد»^۴.

از آن رو که زنان به ابراز حالت عاطفی به شدت توجه دارند، به گفت و گو نیازمند هستند؛ چون زبان، یکی از مهم ترین ابزارهای انتقال عواطف است. این مسئله به قدری مهم است که بعضی گفته اند: زن فقط به گفت و گو نیاز دارد و به نتیجه نمی اندیشد، در حالی که مرد توقع دارد گفت و گو مشکلی را حل کند^۵.

۱- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.

۲- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۷)، خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳- گری، جان (۱۳۸۱)، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه داغی، مشهد، راهیان سبز.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۱

۵- گری، جان (۱۳۸۱)، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه داغی، مشهد، راهیان سبز.

منشأ رفتارهای زن احساس و عاطفه است و تحمل مسئولیت های سنگین و طاقت فرسا آثار روانی نامطلوبی بر او می گذارد. زنان در یک زمان حواس خود را به چند موضوع معطوف می کنند. به همین دلیل، توانایی خود را در تعیین اولویت امور به سرعت از دست می دهند؛ چراکه تمرکز ندارند و زودتر آشفته می شوند. زنها به سرعت افسرده می شوند و گریه می کنند، اما مردها به ندرت افسردگی خود را نشان می دهند. به همین دلیل، سطح کیفی نمایش افسردگی از سوی زنها خیلی عمیق نیست. مردها گرچه دیرتر دچار افسردگی می شوند، اما اگر افسرده شوند تا مرز خودکشی پیش می روند^۱.

نمایش عاطفه در زن قوی تر است. از سوی دیگر، تمرکز در مردها قوی تر است. درک و پذیرش این تفاوت ها از بروز ناراحتی های احتمالی در خانواده جلوگیری می کند. زنها باید بدانند تمرکز مرد هرگز مقیاس و میزانی برای اندازه عشق و علاقه او به همسر نیست. طبیعی است وقتی مرد با مشکلی در زندگی مواجه می شود، حالت تمرکز به خود می گیرد، گویا هیچ مسئله دیگری در زندگی وجود ندارد و او در قبال دیگران هیچ مسئولیتی ندارد. زن نباید این حالت را به بی توجهی تفسیر کند و فکر کند که او از روی عمد به همسرش بی محلی می کند. اگر درست فکر کند رنجشی برای او پیش نمی آید، بلکه تلاش می کند همسر خود را در برطرف کردن مشکل کمک نماید. مردها نیز باید بدانند زنان در مواجهه با مشکلات به بیان احساسات خود نیازمندند. اگر احساسات خود را ابراز نکنند افسرده می شوند. آنان به توجه و احترام از سوی همسر احساس وابستگی می کنند. نیاز آنان در چنین مواقعی موعظه و امر و نهی نیست، بلکه آنان تشنه محبت و عشق هستند. حرکت به سمت پذیرش تفاوت ها، زن و مرد را به سوی کمال رهنمون می سازد. وقتی همسران از تفاوت های همدیگر آگاهی داشته باشند، به جای اینکه از تفاوت ها احساس تنفر کنند، به آن بها می دهند. همین تفاوت هاست که باعث سازگاری شما می شود. اگر زن و مرد هر دو به طور مطلق شبیه هم بودند آسیب پذیری آنان نیز به شدت شبیه یکدیگر بود. بنابراین، وقتی با مشکلات روبه رو می شدند، سعی می کردند از یک روش به مقابله با آن برخیزند و از پیدا کردن راه حل مشکل باز می ماندند^۲.

آگاهی از تفاوت ها و توجه به آن باعث می شود زن و مرد نه تنها در تأمین خواسته های یکدیگر موفق تر باشند، بلکه موجب می گردد در تأمین خواسته های خود نیز به توفیق بیشتر و بهتری دست یابند. وقتی زن بداند تحریک پذیری مرد در برابر محرک های بصری بسیار بیشتر از سایر محرکات است و مرد بداند زن در برابر تحرکات لمسی حساسیت بیشتری دارد، بهتر می تواند خواسته های خود و همسرش را تأمین کند. خصلت مرد چشم دوانی و خصلت زن خودآرایی است. تبحر از ویژگی های عاطفی زن است و کمتر اتفاق افتاده است که مردان با لباس های بدن نما ظاهر شوند^۳.

فطری بودن هریک از این خصلت ها برای زن و مرد وظیفه دیگری را روشن می سازد که چه بازخوردی با می تواند هریک از زن و مرد را راضی سازد. لمبروزو روانشناس معروف می گوید: وقتی زن مرد را نسبت به خود علاقه مند دید، دیگر هدف اصلی او عشوه گری و خودنمایی در برابر دیگران نیست. چنان که مشاهده می شود زنانی که به شوهر و کودکان خود علاقه دارند، به کلی از عالم عشوه گری و دلبری افراطی و مذموم برکنار هستند. اگر زنی خودنمایی در برابر دیگران را پیشه خود می سازد به این دلیل است که پاسخ عواطف درونی خود را نزد شوهرش نیافته است^۴. تعدیل خصلت خودنمایی در زن با تأمینی که مرد برقرار می سازد، ممکن می شود. خودآرایی متعادل لازمه زندگی سعادت‌مندانه، قابل احترام و برنامه ریزی است.

۱- مجده، محمد (۱۳۷۸)، روان شناسی زن و مرد، تهران، نسل نواندیش.

۲- کوبیلیام، سوزان (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نواندیش.

۳- هاشمی رکاوندی، سید مجتبی (۱۳۷۰)، روان شناسی زن، قم، نشر شفق.

۴- لمبروزو، جینا (۱۳۸۰)، روح زن، ترجمه پری حسام شهرئیس، تهران، نشر دانش.

۵- تفاوت در تفکر زن و مرد

تفکر دارای اقسامی است که از آن جمله، می توان به تفکر ابتدایی، تفکر انتزاعی، تفکر حل مسئله و ... اشاره کرد. به طور معمول، تفکر ابتدایی در میان زنان بیش از مردان است. خانم ها در بسیاری از موارد خواب های طولانی می بینند که این خود نشانی از تفکر ابتدایی است.^۱ تفکر انتزاعی که به استنباط و به دست آوردن مفاهیم از نمونه ها نیازمند است، گرچه در میان زن و مرد دیده می شود، اما در میان زنان اجزای این تفکر بسیار ریز و جزئی است و مردان در تفکر انتزاعی کل گرا هستند. به همین دلیل، زنان برای فکر کردن و تصمیم گرفتن به دقت بیشتری نیازمندند، در حالی که مردان به خاطر کلی نگری زودتر پاسخ می دهند و سرعت تصمیم گیری بیشتری دارند.

در تفکر حل مسئله، که نوعی از تفکر انتزاعی است، انسان با یک دسته از معلومات به سراغ حل برخی از مجهولات می رود. مردان برای حل یک مسئله زمان کمتری می خواهند؛ چون تمرکز دارند. در نتیجه، درصد اشتباه و انحراف از استاندارد در زنان بیش از مردان است و تفکر حل مسئله زنان به کندی پیش می رود.^۲ گرچه دامنه کمی تفکر زنان پیش از مردان است، اما مسائل پیچیده و دقیق را نباید به آنان واگذار کرد؛ چرا که رأی آنان در پیچیدگی ها از ضمانت صحت بالایی برخوردار نیست. حضرت علی (ع) در زمینه این تفاوت می فرماید: از مشورت با زنان بپرهیزید؛ چرا که رأی آنان زود سست می شود و تصمیم آنان ناپایدار است.^۳ عامل ناپایداری در تصمیم گیری زنان، افزون بر غلبه احساسات و عواطف، دید گسترده، باز و سطحی آنهاست. به همین دلیل، قرآن کریم در مسائلی که پیچیدگی خاصی ندارد و زنان در اظهار نظر سهمی دارند، به مردان توصیه کرده است که کار را با مشورت زنان انجام دهند: «وقتی پدر و مادر می خواهند بچه را از شیر خوردن بازگیرند، چنانچه با رضایت و مشورت باشد، بی اشکال است».^۴ همچنین در مواردی خاص که زنان از پختگی و تجربه خوب برخوردارند، می توان با زنان مشورت کرد؛ چرا که نهی از مشورت عمومی و غالبی است و می توان برای آن مواردی استثنایی پیدا کرد. پس در مواردی که به تصمیم گیری در کارهای مهم رو می آوریم، نباید تصمیمات پایدار و رأیی قوی را از زنان انتظار داشته باشیم.

مبانی تفاوت حقوق زن و مرد

زنان، بخشی از جامعه انسانی اند که در حوزه ایمان و کمال، تفاوتی با مردان ندارند و گاه به چنان مقامی دست می یابند که مردان باید از آنان درس تقوا، شجاعت، دیانت و خضوع در برابر پروردگار بگیرند. قرآن کریم در یک دعوت عمومی می فرماید: یا ایها الذین آمنوا، و راه کمال را با استمرار حرکت در مسیر ایمان، برای هر زن و مرد ترسیم می کند و مثال هایی از افراد نمونه را که در آن هم سخن از مرد است و هم زن برای عبرت افراد جامعه مثال می زند تا راه صعود به قله بلند ایمان برای زن و مرد روشنتر شود.^۵

زن همواره با توجه به تمدن در دوره های مختلف در طول تاریخ دارای ارزش و احترام بوده و از دیر باز جایگاه و پایگاه متغیری در جهان داشته است. زنان در پیشرفت تمدن ها و ترقی فرهنگ ها پا به پای مردان تلاش کرده اند. در سرزمینی که برای زنان حقوق طبیعی و شئون انسانی قائل نبودند و زن را موجود بسیار حقیر و وسیله ای برای ازدیاد نسل می دانست به دختردار شدن علاقه مند نبودند و این

۱- مجلد، محمد (۱۳۷۸)، روان شناسی زن و مرد، تهران، نسل نواندیش.

۲- مجلد، محمد (۱۳۷۸)، روان شناسی زن و مرد، تهران، نسل نواندیش.

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱

۴- بقره: ۲۳۳

۵- حیدری، حسن، ابراهیمی نسب، یوسف (۱۳۸۹)، جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن، فصلنامه علمی پژوهشی

زن و فرهنگ، شماره ۵.

عدم علاقمندی بین مردها زیادتر وجود داشت. در دوران جاهلیت به حدی جاهل بودند که وقتی به آنها اطلاع میدادند که صاحب دختر شده از شدت خشم رنگ چهره‌ایشان بر می گشت.^۱ در دوران جاهلی نسبت به زن دیدگاه منفی وجود داشت. اندیشه و فکر زن، سست و ضعیف و نظرخواهی و مشاوره با وی نشانه حماقت بود.^۲ در فرهنگ بابل قدیم، مرد میتواند زن خود را طلاق دهد و تنها کاری که می کرد آن بود که جهیزیه زن را به وی باز گرداند و به او بگوید: «تو زن من نیستی» ولی اگر زنی به شوی خود میگفت «تو شوهر من نیستی» واجب بود که با غرق کردن وی را بکشند. نازایی، زنا دادن، ناسازگاری با شوهر، بد اداره کردن خانه، همگی از چیزهایی بودند که برحسب قانون، طلاق دادن زن را مجاز می ساخت. در روم سرنوشت و حقوق زنان با ملل ایران باستان، هند قدیم و سرزمین اعراب جاهلیت اندک تفاوت داشت. در روم مرد حاکم مطلق و بی چون و چرای زن و خانواده خویش بود، مرد اختیار مرگ و زندگی زن خود را در دست داشت. بدین معنا که اگر زن مرتکب جنایتی می شد، شوهرش می توانست او را اعدام کند. کاتن یکی از رومیان قدیم می گوید: «شوهر بر زن خود حاکم است و اختیارش را حدی نیست. هر چه بخواهد می تواند. اگر از زن خطایی سر بزند او را جزا می دهد؛ اگر شراب بیاشامد محکومش می کند و اگر بی ناموسی کند او را می کشد.» در یونان پدر خانواده اختیاردار مطلق بود. پدر حق داشت که فرزندان ضعیف خود را بکشد و در این بین دختران را بیش از پسران می کشتند، زیرا آنها نیاز به جهیزیه داشتند و بعد از ازدواج از خدمتکاری خانه پدر آزاد می شد و در خانه شوهر خدمت می کردند. در این دوران زن شی ای قابل تملک و عنصر توالد بوده و به هیچ وجه او را شریک مرد و واجد قوای کامل بشری نمی دانستند.^۳

در ایران باستان اندیشه ایرانیان باستان درباره زن نسبت به دیگر اقوام ما قبل یا هم عصر خویش از وضعیت بهتری برخوردار بوده است. در تاریخ گذشته ایران زنان دارای شخصیت حقوقی نبوده و در شمار اشیاء و تحت قیومیت مردان قرار داشتند. در امپراطوری ساسانیان، بنابر عرف و رسمی که از قدیم مانده بود، زن شخصیت حقوقی نداشت؛ به این معنا که او به عنوان یک انسان دارای حق نبود. زن در زمان امپراطوری ساسانی به عنوان یک شی فرض می شد که می توانست مال کسی یا حق کسی باشد و خود زن حقوق مالی نداشت. زن در سلسله مراتب خانوادگی تحت سرپرستی و قیومیت ربیب خانواده به نام «کدخدا» بود. این کدخدا می توانست هر کسی باشد، پدر باشد یا شوهر و در هر صورت مرگ آنها جانشین ایشان ربیب خانواده دارای اختیارات وسیعی بود و تمام هدایایی که گاهها به زن داده می شد یا مالی را که زن با کار و تلاش خود به دست می آورد همه متعلق به ربیب خانواده بود و زن از اموال خود بی نصیب بود.^۴

در آیین یهود که پس از موسی (ع) دستخوش تحریف هایی شد، آفرینش (حوا) از دنده چپ آدم دانسته شده و فریب خوردن از شیطان و بیرون شدن از بهشت نیز به حوا به عنوان زن نسبت داده شد. گناه و آلودگی زن بیش از مرد است و تطهیرناپذیری او در بعضی موارد از مطالبی است که در متون دین یهود موج می زند. یهودیان در مسائلی مانند عبادت خدا، سعادت اخروی، پاداش اعمال نیک و ... هرگز زن را با مرد برابر نمی دانند.^۵

آیین مسیحیت در مورد حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی زن دیدگاه ثابت و تغییرناپذیری ارائه نکرده

۱- بارتله، کریستیا (۱۳۷۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین الزمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی.

۲- جواد علی (۱۴۱۲)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، دارالعلم للملایین، چاپ دوم، بیروت، لبنان.

۳- ویل دورانت (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۴- بارتله، کریستیا (۱۳۷۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین الزمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی.

۵- کوبیلیام، سوزان (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نواندیش.

است. نسخه های گوناگون شناخته شده به نام (انجیل) و رساله های به جای مانده از شخصیت های برجسته و نامدار مسیحی و کشیش ها و فرقه های مختلف و کاتولیک ها هر یک به سهم خود در مورد حقوق زن، دیدگاه های متفاوتی اظهار کرده اند. در رساله اول پولس رسول به تیموتائوس چنین آمده است: خدا اول آدم را آفرید و بعد حوا را، آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار شد. از این جهت خداوند درد زایمان را به حوا داد اما به زاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیّت و تقوا ثابت بماند. رساله یادشده آدم نخستین را از هر گناه تبرئه می کند و گناه فریب خوردن از شیطان را به گردن حوا به عنوان یک زن می افکند. این سخن با پیامهای شریعت و وحی، مخالف است. همچنین در رساله اول پولس رسول به افسیسان آمده است: ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنان که خداوند را زیرا که شوهر سر زن است چنان که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بشر است. پولس رسول در رساله اول خود به تیموتائوس می گوید: زن را اجازه نمی دهم که تعلیم دهد یا بر شوهرش مسلط شود بلکه در سکوت بماند. پولس رسول در رساله اول خویش در پاسخ سوال مسیحیان، به مجرد ماند و ازدواج نکردن توصیه می کند^۱. با این مقدمه ای که در خصوص تفاوت های زن و مرد در ادیان و تمدن های مختلف بیان شد در این مبحث به تبیین مبانی تفاوت های حقوق زن و مرد می پردازیم.

۱- مشترکات تکوینی و تشریحی زن و مرد در قرآن

اشتراکات تکوینی و تشریحی مرد و زن را می توان در موارد ذیل مورد بررسی قرار داد:

اشتراک در ماهیت انسانی: بحث حقوق زن و تساوی یا عدم تساوی حقوق، از رهگذر جامعه بین المللی و نیز روابط با دولت های اروپایی به کشورهای اسلامی راه یافت و افکار عمومی را به خود مشغول ساخت. دشمنان اسلام و بیگانگان با شیوه های گوناگون از جمله با بهره مندی از رسانه های گروهی مثل رادیو و تلویزیون به سم پاشی پرداختند و کوشیدند تا اسلام را مخالف آزادی، استقلال و حقوق اجتماعی - انسانی زن معرفی کنند، در حالی که اندیشه یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد، اندیشه ای قرآنی است. در تفکر قرآنی، زن همپای مرد تکامل پذیر است و در پرتو علم و عمل، به معراج می رود؛ زیرا این دو از نفسی واحد آفریده شده اند؛ یعنی نفس آن دو برابر است: «یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا؛ ای مردم، از پروردگارتان بپرهیز که همه شما را از نفسی واحد آفرید و همسر وی را نیز از جنس او خلق کرد^۲».

۳۹

طبق آیه مذکور، مرد و زن از لحاظ ماهیت و لوازم آن یکسانند؛ یعنی هر دو انسانند. نهایت اینکه در عین داشتن وحدت نوعی، به دو صنف منطقی یا به تعبیر دیگر، به دو جنس تعلق دارند. برای توضیح، می توان گفت: اشتراک حضرت آدم و حوا در فریفته شدن با وسوسوس شیطانی بیانگر اشتراک سرنوشت آنان است. به عبارت دیگر، فریفتگی آن دو در عرض یکدیگر قرار دارد و مرد و زن در انسانیت و لوازم آن برابرند^۳. بنابراین، همه انسان ها از هر صنف، خواه زن و خواه مرد، از یک ذات آفریده شده اند و اولین زنی که همسر اولین مرد است، از همان ذات و گوهر عینی خلق شده است^۴.

ماهیت انسانی مشترک زن و مرد، چهره خود را در اجرای برابر برخی مجازات ها نیز نمایان کرده است.

۱- جواد علی (۱۴۱۲)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، دارالعلم للملایین، چاپ دوم، بیروت، لبنان.

۲- نساء، ۱

۳- کوبیلیام، سوزان (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نو اندیش.

۴- جواد امّلی، عبدالله (۱۳۸۸)، زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء.

در اسلام، مجازات بسیاری از جرایم درباره زن و مرد، یکسان اجرا می شود. برای مثال، قرآن کریم مجازات سرقت آن دو را با جمله «السَّارِقِ وَالسَّارِقَةِ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا قَرِينِ هُم بِيَانِ نَمُودَه وَ كَيْفَرِ زَنَائِیْ أَنَهَا رَا بَا جَمَلَه «الزَّانِيَةِ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَه مَسَاوِي خَوَانَدَه اسْت.»

با مروری اجمالی در آیات قرآن، این نکته به خوبی اثبات می شود که زن و مرد از یک حقیقت هستند و قرآن بدان تصریح دارد. اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص مقرر می دارد: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. در مقام اجرای این حق، قانون مدنی در ماده ۹۵۸ مقرر می دارد: «هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ کس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد. بنابراین، قانون اساسی و قوانین عادی انسان بودن زن و مرد را بدون توجه به جنسیت آنان، در حمایت قانون قرار داده اند، به گونه ای که نه تنها دیگران، حتی خود انسان نیز حق سلب حقوق خویش را ندارد، هر چند می تواند جزئی از حق خویش را سلب کند که در بحث اهلیت تمتع و استیفا مطرح می شود. از این رو، حمایت یکسان قانون از زن و مرد در حقیقت، حمایت از حقوق مشترک و اختصاصی آن دو است.^۱

الف-تساوی در تکامل: مرد و زن با عبودیت خدای متعال و به انجام رساندن تکالیفی که بر عهده شان است، به طور مساوی استکمال می یابند. راه رسیدن به کمالات انسانی و تقرب به خدای متعال، برای هر دو باز است. خدای متعال می فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ هر کس کاری شایسته کند، خواه مرد باشد و خواه زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.^۲ با این آیه، خداوند متعال به همه اهل تکلیف - اعم از زن و مرد - وعده داده است که هرگاه اهل ایمان باشند و خدا را به یکتایی پرستش کنند و پیامبر گرامی را تصدیق نمایند، آنها را داخل بهشت گرداند و در آنجا سکونت دهد و از ثواب و مزدی که استحقاق دارند به اندازه ذره ای نگاهد.^۳

ب-تساوی در ایمان و کفر: آنچه انسان ها را، اعم از مرد و زن، در دو جناح حق و باطل جای می دهد، ایمان حقیقی و کفر باطنی و نفاق است. مرد یا زن بودن موضوعیت ندارد. قرآن می فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ زنان خبیث برای مردان خبیث، و مردان خبیث برای زنان خبیث، و زنان پاک برای مردان پاک، و مردان پاک برای زنان پاک هستند.» این معنا از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نیز روایت شده است؛ فرمودند: این آیه نظیر «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَهٗ أَوْ مُشْرِكَهٗ...» است که گروهی از مردان می خواستند با زنان بدکاره ازدواج کنند و خداوند آنها را از این کار نهی کرد و این کار را برای ایشان مکروه شمرد.^۴

پ-اشتراک در تکالیف: بسیاری از تکالیف میان مردان و زنان مشترک است. از دیگر موارد اشتراک زن و مرد، می توان به «حق مشارکت سیاسی همان گونه که مرد حق مشارکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی دارد، زن نیز در این عرصه مستقل است، مگر در مواردی که مربوط به تفاوت های جسمی و روانی آنان می گردد. بنابراین، زن در پذیرش اسلام، هجرت، بیعت، شرکت در انتخابات و اظهار نظر در

۱- کاظم زاده، علی (۱۳۸۶)، تفاوت حقوقی زن و مرد، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۲- نساء، ۱۲۴

۳- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲)، تفسیر طبرسی، تهران، ناصر خسرو.

۴- همان

مسائل و مشکلات اجتماعی و نظایر آن استقلال کامل دارد و «حق مالکیت در اسلام، به موجب تعالیم قرآنی، از چهارده قرن پیش، حق مالکیت و سهم ارث زنان به رسمیت شناخته شده است.

۲- تمایزات و تشابهات زن و مرد

همان گونه که نشناختن تفاوت های طبیعی عالم خلقت و عدم درک صحیح و دقیق فلسفه وجودی این تفاوت ها و نیز زشتی و زیبایی ها، سبب می شود که انسان با بدبینی، جهان هستی را سراسر بی عدالتی و غرق در تبعیض بداند، بدیهی است که این عدم شناخت وقتی با بی توجهی به مستندات فقهی احکام درباره دو جنس زن و مرد تقویت شده، قطعاً دین را در معرض اتهام بی عدالتی و تبعیض قرار می دهد که نوعی ظلم و ستم مشهود و دیرینه را بر نیمی از پیکره خلقت آدمی روا داشته است و با استناد آن به دین خدا، مهر سکوت را بر لب ها می زند تا کسی جسارت اعتراض پیدا نکند از منظر سیر تکوین آموزه های علمی نیز، مقوله عنایت به حقوق زنان از زمان صدور اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ میلادی و اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی در غرب مطرح گردید. زمانی که ایی گیل آدامز همسر رئیس جمهور وقت آمریکا و از سردمداران اعلامیه استقلال آمریکا، با صدور نامه ای به عنوان «خانم ها را به خاطر داشته باشیم» گوشزد می کند اگر حقوق خانم ها در این اعلامیه مورد توجه قرار نگیرد آنها سر به شورش می گذارند و همین طور از زمانی که خانم اولیامپ دگونگ، از رهبران انقلابی پاریس و هم زمانش پس از انتشار اعلامیه حقوق بشر که مختص حقوق مردان بود در اعتراض به آن، به جرم ضد انقلابی بودن، گردنشان زیر تیغ گیوتین قرار می گیرد.^۱ لیکن در حدود بیش از یک قرا است که تفاوت بین حقوق زن و مرد به یکی از مباحث جنجالی و پر اهمیت بسیاری از محافل و سازمان های علمی و حقوق بشری داخل و بین المملی تبدیل گشته است مسائلی نظیر تنش و تاثیر جنسیت در حقوق و تکالیف و برابری یا تشابه زن و مرد در کلیه امور، از جمله امور حقوقی موضوع مطالعات همایش های فراوان در سطح ملی و بین المللی قرار گرفته است.

۳- ملاک تفاوت های تشریحی میان زن و مرد

مهم ترین تفاوت های تشریحی زن و مرد در دو زمینه اجتماعی و خانوادگی است که در این قسمت به بررسی آنها می پردازیم.

۴۱

الف- اختلافات اجتماعی: مهم ترین تفاوت های حقوقی اجتماعی میان زن و مرد عبارت است از: اختصاص جهاد ابتدایی به مردان، اولویت مردان بر زنان در جهاد دفاعی، اختصاص حکومت و امارت و تصدی امر قضا به مردان، و اختصاص مرجعیت تقلید به مردان. از دیدگاه قرآن کریم، میان مرد و زن در زمینه اجتماعی، دو تفاوت حقوقی وجود دارد: یکی اینکه نبوت مختص مردان است: «و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحی الیهم؛ پیش از تو جز مردانی که به ایشان وحی می کردیم، نفرستادیم»^۲.

دیگر اینکه شهادت دو زن هم تراز شهادت یک مرد است: «و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجُلین فرجل و امرأتان ممن تزویون من الشهداء ان تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخری؛ دو گواه از مردان خویش به گواهی گیرید، و اگر دو مرد نباشند یک مرد و دو زن از گواهانی که از آنان خرسندید، تا اگر یکی از آن دو از یاد برد، یکی از آن دو به یاد آن دیگر بیاورد»^۳.

۱- ظهیری، عباس (۱۳۷۵)، قصاص در بوته نقد و تحقیق، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲- یوسف، ۱۰۹

۳- بقره، ۲۸۲

از جمله اختلافات حقوقی زن و مرد، مسئله اختلاف در شهادت است. از نظر قرآن کریم، شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است. قرآن اصل را بر شهادت دادن مرد گرفته است. دلیل آن این است که شاهد گرفتن و ادای شهادت بدین منظور است که حقی پایمال نشود. پس شهادت دو شرط دارد: یکی اینکه شاهد در مقام ادای شهادت، هوشیار و زیرک باشد و موضوع را به دقت و درستی ضبط کند. دیگر آنکه در مقام ادای شهادت، تحت تأثیر احساسات و عواطف واقع نشود و هرچه را شاهد بوده، بی کم و کاست بازگو کند و شهادت دهد.

ممکن است شاهد در مقام ادای شهادت، آنچه را ناظر بوده است، باز گوید و شهادت دهد؛ چنان که ممکن است شاهد تحت تأثیر احساسات قرار گیرد و به هر دلیلی، حق را زیر پا بگذارد و برخلاف واقع شهادت دهد. خدای متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به دادگری رفتار کنید و برای خدای متعال گواهی دهید؛ اگر چه به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد. اگر کسی که به سود او گواهی می دهید توانگر یا مستمند باشد، خدای متعال به (رعایت حال) ایشان شایسته تر است^۱

با این وصف، اگر جنس زن و مرد مقایسه شوند، معلوم خواهد شد که مردان در هر دو جهت، از زنان قوی ترند. بنابراین، برای تحمّل و ادای شهادت، مردان از زنان شایسته ترند^۲. روشن است که عامل فراموشی مذکور - یعنی تأثیر احساسات و عواطف ناشی از حوادث، به ویژه حوادث کیفری که به مراتب ناگوارتر است - در زنان بیش از مردان یافت می شود و این حقیقتی غیر قابل انکار است. البته رقت قلب و عاطفه شدید در زنان در جای خود، یکی از نعمت های الهی است که به زنان اعطا شده است. همین رقت قلب و عاطفه شدید در زنان موجب شده است تا ایشان در مسائل خانوادگی و بسیاری از حوادث تاریخی، نقش بسیار مهمی ایفا نمایند.

ب- اختلافات خانوادگی: خانواده مهم ترین نهاد حقوقی در اسلام است. در رویکرد اسلام، زن و مرد مکمل یکدیگرند. ازدواج قانونی، تقسیم کار، قانون ارث و مدیریت مرد راه کار هایی هستند که برای استحکام خانواده، محل عنایت شارع بوده اند. توصیه اسلام این است که هر یک از زن و مرد به جای اعتراض، باید واقعیت را بپذیرد و آرزوی تغییر تفاوت های تکوینی یا تشریحی تأثیری در واقع ندارد. مهم آن است که هر انسانی استعداد و توانایی خود را در مسیر تکامل به کار بگیرد. اسلام خانواده را هسته اولیه تشکّل و تکوّن جامعه می داند. در این رویکرد، خانواده خاستگاه همه مصالح و مفاسد اجتماعی است. با عنایت به جایگاه رفیع این نهاد باارزش، اسلام سعی کرده است از طریق ازدواج مشروع و ترویج آن، بنیان خانواده را مستحکم کند و برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی انسان ها، خدای متعال احکام را براساس مصالح بندگانش تشریح کرده است.

نتیجه

عدالت اجتماعی یکی از اهداف مناقشه ناپذیر بشر در طول تاریخ حیات سیاسی او بوده است و نمیتوان زمانی را تصور کرد که انسان تصویری از عدالت داشته باشد و در عین حال آن را نفی کند. از جمله مباحثی که امروزه در ذیل عدالت اجتماعی به معنای کلان آن طرح میشود بحث از عدالت جنسیتی است که به بررسی نابرابریهای اعمال شده در حق زنان به عنوان یکی از گروههای انسانی میپردازد که مورد ظلم

۱- نساء، ۱۳۵

۲- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۷)، خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

هم نوعان مذکر خود قرار گرفته است و در این میان مؤلفه های مختلفی در راستای بیان مفهوم عدالت جنسیتی ذکر شده است؛ این مؤلفه ها عبارتند از: «حذف محرومیت به دلیل جنس»، «حق انتخاب آزاد»، «فراهم آوردن فرصتها»، «تناسب در حقوق و مسئولیتها»، «شرط انصاف»، «توجه به تفاوت بیولوژیک زنان و مردان». عدالت جنسیتی معنای تحقق برابری نیست و منوط به رعایت تناسب ها است. در واقع از نگاه اسلام، عدالت در تناسب با فرد و وظایفش تعریف می گردد و تساوی و برابری تصویری سطحی از این مفهوم است. داعیه داران این نگاه، راه حل نیل به عدالت را نه یکسان سازی زن و مرد، بلکه توجه به مقدورات و محظورات دو جنس در انجام وظایف و تکالیف می دانند. با این حال و علیرغم تلاش های صورت گرفته باید گفت در زمینه عدالت جنسیتی بیشترین وفاق بر سر مسائلی چون حقوق انسانی، آموزش و سلامت است و همچنان برخی از ابعاد عدالت جنسیتی با چالش هایی مواجه است که این ابعاد عبارتند از برابری در قانون مانند تساوی در حق قصاص، دیه، عدم قصاص در قتل فرزند، اقتصاد و اشتغال و مشارکت و قدرت سیاسی و حضور در راس نهادهای تصمیم گیر و تصمیم ساز و انتصاب در موقعیت های سیاسی؛ در واقع در ابعاد ذکر شده ملاک برقرار نمودن عدالت جنسیتی همچنان با چالش مواجه است که دلیل این امر مواردی چون فقدان تعریف عدالت جنسیتی، فقدان وفاق در زمینه مفاهیم و واژه ها، اولویتها و شیوه های برنامه ریزی، بی توجهی به اولویت های ملی و محلی، ضعف برنامه نویسی، فقدان شناخت و آگاهی در برنامه ریزان، سیاست زدگی، حکومت زدگی، ناکارآمدی نیروهای مدیریتی و اجرایی، شکاف بین نهادهای پژوهشی و سیاستگذاری، فقدان ضمانت های حقوقی، ضعف در نظام داده و آمار، توسعه ناموزون ابعاد عدالت جنسیتی، تفاوت ادراک و احسان ذی نفعان، مردسالاری در نهادهای سیاستگذار؛ می باشد. لذا با توجه به موانع و چالش های ذکر شده دسترسی زنان به فرصت ها و منابع مختلف متوازن نیست و این مسأله با وجود تنظیم شش برنامه توسعه همچنان در تمامی جنبه های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به وضوح قابل مشاهده است. در نتیجه برای مواجهه با جامعه جهانی بایستی عدالت جنسیتی بر مبنای الگوی ایرانی- اسلامی شاخص سازی گردد و معرفی شاخص ها و مؤلفه های عدالت جنسیتی متناسب با فرهنگ و انتظارات جامعه در اولویت برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها قرار گیرد.

- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران (دانشکده حقوق و علوم سیاسی).
- استیفن، رابینز (۱۳۸۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، نشر کتاب مهربان نشر.
- بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ ها و واژه ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- بارتله، کریستیا (۱۳۷۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین الزمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جواد علی (۱۴۱۲)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، دارالعلم للملایین، چاپ دوم، بیروت، لبنان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء.
- حیدری، حسن، ابراهیمی نسب، یوسف (۱۳۸۹)، جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره ۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۲۹، تهران، چاپ دانشگاه تهران.
- طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۵)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲)، تفسیر طبرسی، تهران، ناصر خسرو.
- ظهیری، عباس (۱۳۷۵)، قصاص در بوته نقد و تحقیق، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۷۱ و ۱۷۲.
- عبادی، شیرین (۱۳۷۴)، حق حیات زنانه، نشریه جامعه سالم، سال پنجم، شماره ۲۲.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۳)، فرهنگ کاتوزیان، تهران، نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، ج ۲، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- کاظم زاده، علی (۱۳۸۶)، تفاوت حقوقی زن و مرد، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کوبیلیام، سوزان (۱۳۷۸)، در پناه یکدیگر، ترجمه فرشته صالحی، تهران، نسل نواندیش.

- گری، جان (۱۳۸۱)، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه داغی، مشهد، راهیان سبز.
- لمبرزو، جینا (۱۳۸۰)، روح زن، ترجمه پری حسام شهرئیس، تهران، نشر دانش.
- موحد شریعت پناهی، ژیلا (۱۳۷۴)، قصاص از دیدگاه قرآن، مجله ایران فردا، شماره ۱۹.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۷)، خودشناسی برای خودسازی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجد، محمد (۱۳۷۸)، روان شناسی زن و مرد، تهران، نسل نواندیش.
- محبان، مسعود (۱۳۹۳)، بررسی فقهی حقوقی تاثیر جنسیت بر نوع و میزان مجازات ها و تطبیق آن با حقوق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، جلد ۱، تهران، نشر صدرا.
- ویل دورانت (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ویسی، مریم (۱۴۰۰)، لزوم بازنگری در حکم عدم اجرای قصاص پدر در قتل عمدی فرزند از مجرای فقه پویا و اصلاح قانون مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران.
- هاشمی رکاوندی، سید مجتبی (۱۳۷۰)، روان شناسی زن، قم، نشر شفق.